دورنما

احسان شیخون

آینده روابط ایران و ایالات متحده چگونه خواهد بود؟

عصاره چماق ترامپ در هویج بایدن

سرانجام «جو بایدن» به عنوان چهل‌وششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از انتخاباتی بحث‌برانگیز که هنوز نتیجه آن را رئیس‌جمهور کنونی و نیمی از رأی‌دهندگان نپذیرفتند، مشخص شد. بایدن، نزدیک به پنج دهه حضوری فعالانه در سیاست امریکا داشته که معاون رئیس‌جمهور و حضور در سنا از مهم‌ترین آنهاست. بایدن حدود دو ماه دیگر سکان حکومت ایالات متحده را به‌دست خواهد گرفت. فارغ از موضوعات کلان سیاست خارجی دولت آینده ایالات متحده، برای بسیاری از ایرانیان این سؤال است که سیاست او در قبال ایران چه خواهد بود؟ در رقابت‌های انتخاباتی میان ترامپ و بایدن، شاهد دو موضع‌گیری متفاوت از سوی بایدن نسبت به ایران بوده‌ایم؛ او خط مشی ترامپ را که همواره سعی داشت با دوری از دیپلماسی و گفت‌وگوی سازنده و اعمال تحریم‌های ظالمانه بر تنش و درگیری با ایران بیفزاید نقد و اشتباه خوانده و از سوی دیگر عزم خود را برای فشار بر ایران در موضوع‌هایی همچون دانش هسته‌ای، برنامه موشکی و نیز حقوق بشر اعلام کرده است. این دوگانه اما سبب‌ساز دو نوع برداشت متفاوت شده است:

اول؛ بایدن بر اساس موضع‌گیری‌های پی در پی در رقابت‌های انتخاباتی، قصد بازگشت به برجام و عادی‌سازی روابط با ایران را خواهد داشت. او حدود دو ماه پیش ضمن انتقاد از سیاست‌های ترامپ علیه ایران گفت: «اگر ایران خود را با توافق هسته‌ای منطبق نماید و به آن بازگردد، ایالات متحده نیز به توافق بازخواهد گشت.» به این ترتیب با نگاهی خوشبینانه، اکنون ایران از شر یک رئیس‌جمهور زورگو و جنگ‌طلب رها شده است، تحریم‌ها نیز لغو خواهد شد و در دوره جدید، شرایط به سال ۲۰۱۵ بازخواهد گشت. اما این مهم به دلایل بسیار رخ نخواهد داد، زیرا از یکسو، دولت ترامپ علاوه بر بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای، تحریم‌های بسیاری را در بخش صنعت نفت و نظام مالی و پولی ایران ذیل مقوله تروریسم قرار داده است و اگر بایدن بخواهد آنها را لغو کند، باید مفروض حاکم در ذهن دولتمردان امریکایی مبنی بر حمایت ایران از تروریسم را نفی کند که در عمل ناممکن است. از دیگر سو، تا چه میزان کنگره حاضر به همکاری در لغو چنین تحریم‌هایی خواهد بود؟

دوم؛ خط مشی‌های ترامپ اما در شکلی جدید ادامه خواهد داشت. دولتمردان ایالات متحده به کرات تأکید داشته‌اند خط مشی‌های دولت ترامپ در قالب فشار حداکثری و سیلابی از تحریم‌ها علیه ایران تأثیرگذار بوده است و به‌زودی زمانی خواهد رسید که ایران مطالبات امریکا را خواهد پذیرفت. اما شواهد نشان می‌دهد این سیاست آنگونه که پنداشته می‌شود کارساز نبوده و به همین دلیل بایدن این راهبرد علیه ایران را «فاجعه‌ای دانسته که امریکا را از متحدان سنتی خود دور و ایران را به دانش هسته‌ای» نزدیک‌تر کرده است. از این رو سیاست «چماق» ایالات متحده دیگر کارساز نخواهد بود و باید به سیاست «چماق و هویج» روی آورد.

همچنین، اگر سخنان بایدن در دوران رقابت‌های ریاست جمهوری را بازخوانی نماییم، به نکات مهمی دست خواهیم یافت:

۱. او اعلام آمادگی کرده که اگر ایران به تمام مفاد موجود در برجام بازگردد، ایالات متحده نیز برجام را خواهد پذیرفت و بر مذاکرات تا حصول نتیجه ادامه خواهد داد. در این خط مشی «ابتدا ایران باید به برجام بازگردد» و نه امریکا! و در این صورت نیز مذاکرات برای رسیدن به برجامی جدید و با حضور سایر متحدان سنتی و به احتمال زیاد عربستان و اسرائیل، با تأکید بر سه موضوع جلوگیری و اعمال محدودیت برای ایران در برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای و دست بالای کشورمان در خلیج فارس و خاورمیانه و سرانجام از میان برداشتن توان موشکی ایران ادامه خواهد یافت.

۲. شرایط فعلی با آنچه در سال ۲۰۱۵ و توافق برجام رخ داد، تفاوت دارد و دیگر آن توافق ایجاد نخواهد شد. خروج یکجانبه ترامپ از برجام نشان داد بدعهدی‌های ایالات متحده علیه ایران تمامی نخواهد داشت و به این ترتیب، فرقی نمی‌کند رئیس‌جمهور که باشد، زیرا نه از ایران عذرخواهی خواهند کرد، نه تحریم‌ها را برخواهند داشت و نه به توافق سال ۲۰۱۵ بازخواهند گشت.

۳. بایدن هشت سال معاون اول در دولتی بوده که خود پایه‌گذار تحریم‌های گوناگون علیه ایران بود. او طی یادداشتی در «سی ان ان» نوشت: «وعده ترامپ برای تغییر و ممانعت از رفتار تهران در منطقه بدون نتیجه بوده و در اقدام علیه ایران، امریکا متحدان خود را از دست داده است. همچنین ایران ذخایر اورانیوم خود را نسبت به سال ۲۰۱۵ چندین برابر کرده است، بنابراین باید یک راه هوشمندانه علیه ایران اتخاذ شود.» می‌توان دید که بایدن تلاش دارد «فشار حداکثری» ترامپ را به «فشار هوشمند» در دولت خود مبدل سازد. در این راستا نزدیک شدن به متحدان سنتی، چین و روسیه جهت اجماع‌سازی بین‌المللی علیه ایران که در گذشته نیز شاهد آن بودیم، اتخاذ خواهد شد.

۴. از آنجا که بایدن با چالش‌های متعدد و سهمگین داخلی روبه‌روست، در چندماه ابتدایی ریاست خود، موضوع روابط با کشورمان در رأس اولویت‌های او نخواهد بود و پس از این مدت نیز اتفاقات محدود و موردی رخ خواهد داد. بایدن سعی خواهد کرد با اقدامات نمادین، خود را حامی مذاکره سازنده و تنش زدایی با ایران نشان دهد. از این رو، ممکن است با امتیازات کوچکی مانند لغو قانون سفر مسلمانان و اتباع کشورهایی همچون ایران به امریکا یا کمک به تلاش‌های ایران در مهار کووید ۱۹، امتیازات بزرگ‌تری از تهران طلب نماید.

۵. بایدن در همان یادداشت در سی ان ان بیان می‌کند «با استفاده از تحریم‌های هدفمند علیه ایران در زمینه حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و برنامه‌های موشکی» اقدام خواهیم کرد. می‌توان دید بایدن نیز همانند ترامپ سعی در استفاده از تحریم‌های کنونی علیه ایران خواهد داشت.

۶. وی گفته که «با استفاده از توافق امنیتی میان اسرائیل و امریکا که در زمان اوباما منعقد شد، همکاری این دو کشور بیش از پیش خواهد بود تا تلاویو اطمینان یابد در برابر ایران و بازیگران نیابتی آن مصون خواهد ماند؛ به این ترتیب، به تلاش‌ها برای عقب راندن ایران از فعالیت‌های بی‌ثبات کننده‌اش که دوستان و شرکایمان را تهدید می‌کند ادامه خواهیم داد.» همچنین بایدن علاوه بر نشان دادن پایبندی دولتش به رژیم صهیونیستی، خواسته‌های دولت‌های عرب منطقه علیه ایران را مدنظر خواهد داشت.

مطالب فوق‌الذکر نشان می‌دهد بایدن همانند اعقاب خود، راهبرد مشترکی را علیه ایران دنبال می‌کند که برآیند آن اعمال فشار روزافزون بر کشورمان است. بایدن برای موفقیت این خط مشی به دنبال اجماع‌سازی جهانی علیه ایران خواهد بود.

> بایدن همانند اعقاب خود، راهبرد مشترکی را علیه ایران دنبال می‌کند که برآیند آن اعمال فشار روزافزون بر کشورمان است. بایدن برای موفقیت این خط مشی به دنبال اجماع‌سازی جهانی علیه ایران خواهد بود

چالش

چرا رئیس‌جمهور امریکا حاضر به قبول شکست نیست؟

برنامه بازگشت ترامپ روی گسل اختلافات

مسعود حکیمی

با اعلام پیروزی جو بایدن در ایالت جورجیا، آرای الکترال او به ۳۰۶ رأی رسید که در مقابل ۲۳۲ رأی الکترال دونالد ترامپ حکایت از پیروزی قاطع بایدن دارد. نکته طنز قضیه اینجاست که ترامپ چهار سال قبل با تقریباً همین مقدار اختلاف در آرای الکترال رقیب انتخاباتی خود هیلاری کلینتون از حزب دموکرات را شکست داد. کلینتون با وجود ناباوری و تنها یک روز بعد از برگزاری انتخابات حاضر شد در یک سخنرانی کوتاه شکست خود را در انتخابات اعلام کند اما این بار ترامپ حاضر نشد تا نتیجه انتخابات را بپذیرد. او با چالش تقلب گسترده و وارد کردن اتهام به رقبای دموکرات و حتی به فرماندار جمهوری‌خواه ایالت جورجیا بر این کمپ سعی کرده است مبارزه‌ای جدی و طولانی را از سر بگیرد و این موضوع نگرانی‌هایی را در میان نخبگان و تحلیلگران سیاسی در واشنگتن ایجاد کرده است که آیا او حاضر خواهد شد کاخ سفید را ترک کند؟ برخی مشاوران ترامپ گفته‌اند انتظار نداشته باشید او شکست را بپذیرد و بیشتر احتمال دارد او چیزی شبیه به این را بگوید: «ما نمی‌توانیم به این نتایج اعتماد کنیم اما من آنها را رد نمی‌کنم.» شاید ترامپ به این وسیله حاضر شود کلید کاخ سفید را در ۲۰ ژانویه به بایدن بدهد اما چرا او به این نحو رفتار می‌کند؟

انتخابات ۲۰۲۴

روزنامه نیویورک تایمز در ۱۳ نوامبر گزارشی از نشست دو روز قبل در کاخ سفید منتشر کرد که ترامپ در آن نشست با برخی از مشاورانش صحبت کرده بود. بنا بر گزارش نیویورک تایمز، ترامپ به مشاورانش گفته بود اگر پیروزی بایدن به صورت رسمی تأیید شود، حضور خود را در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ به صورت جدی مورد بررسی قرار خواهد داد. برخی مشاوران ترامپ در مورد این نشست به نیویورک تایمز گفته بودند شانس تغییر نتیجه نهایی انتخابات ۲۰۲۰ بسیار پایین و کم است و او می‌داند همه چیز تمام شده و دیگر راهبرد مخالفت و رد نتایج انتخابات ۲۰۲۰ را در ایالت‌های حساس و سرنوشت‌ساز دنبال نخواهد کرد و «به جای این، امیدوار است حمایت طرفدارانش را همچنان حفظ کند.» این گزارش به خوبی علت رفتار نامتعارف ترامپ در روزهای گذشته را روشن می‌کند. برای نمونه، او در پیام توییتری روز ۱۵ نوامبر نوشت: «او برد چون این انتخابات تقلبی بود.» این پیام به عنوان اعتراف ضمنی ترامپ به شکست تلقی شد اما او ساعاتی بعد پیام دیگری را توییت کرد: «او تنها در چشمان رسانه‌های خبری جعلی پیروز شده است. من هیچ چیز را نپذیرفته‌ام! ما راه طولانی در پیش داریم. این یک انتخابات تقلبی بود.» در واقع، شاید ترامپ قبول داشته باشد که در انتخابات شکست خورده است اما نمی‌خواهد به شکست خود اعتراف کند تا از یکسو چهره رهبر مبارز را برای هواداران خود حفظ کرده باشد و از سوی دیگر، انتخابات تقلبی عنوانی باشد تا هوادارانش تحت آن آماده انتخابات چهار سال بعد باشند. این راهبردی است که ترامپ آن را بی‌توجه به شکاف و دودستگی در جامعه امریکا در نظر نگرفته است.

شکاف عمیق

انتخابات سوم نوامبر گذشته از بازنده و برنده آن، یک چیز را به خوبی نشان داد؛ شکاف و دودستگی در جامعه امریکا بیشتر از آن حدی است که پیش از این تصور می‌شد. این نکته‌ای است که رئیس‌جمهور پیشین امریکا باراک اوباما در جلد اول از کتاب خاطرات خود موسوم به «سرزمین موعود، A Promised Land» به روشنی در مورد آن گفته است و یقین دارد یک انتخابات واحد هم نمی‌تواند این مشکل را برطرف کند و می‌نویسد: «آنچه بیشتر از هر چیز ما را نگران می‌کند این است که دموکراسی ما به نظر می‌رسد در آستانه غرق شدن در یک بحران است. بحرانی که شهروندان را متفرق کرده و آنها را در معرض خشم و بی‌اعتمادی قرار داده است.» شکی نیست که ترامپ واقف به این شکاف است و البته می‌خواهد با بهره‌برداری از آن هر طور که شده دوباره به کاخ سفید بازگردد. نگاهی به مجموع آرای ترامپ می‌تواند مایه امیدواری او باشد، چراکه شاید فکرش را هم نمی‌کرد بتواند ۷۳/۲۲۷/۱۶۱ رأی را به دست بیاورد. این نه تنها دستاورد قابل توجهی برای اوست بلکه رکوردی برای جمهوری‌خواهان نیز است. لازم به یادآوری است که ترامپ در انتخابات چهار سال قبل ۶۲/۹۸۴/۸۲۸ رأی به دست آورده بود و حالا با این میزان رأی می‌تواند امیدوار به پیروزی قاطع در انتخابات بعدی باشد. نکته قابل توجه این است که بایدن به دلیل کهولت سن بعید است بتواند کاندیدای انتخابات چهار سال بعد باشد و اغلب تحلیلگران او را رئیس‌جمهور یک دوره‌ای می‌دانند. از سوی دیگر، بعید به نظر می‌رسد دموکرات‌ها بتوانند در چهار سال بعد موج انتخاباتی امسال را به راه بیندازند هر چند اختلاف رأی آنها با ترامپ با همین موج هم حدود ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار رأی است. اگر ترامپ بتواند با ادعای تقلب کاخ سفید را ترک کند خشمی را بین هواداران خود ایجاد می‌کند و این خشم عاملی برای حفظ آرای آنان برای او تا چهار سال بعد خواهد بود. بنابراین نمی‌توان گفت ترامپ و مشاورانش در استراتژی فعلی برای نپذیرفتن نتیجه انتخابات رفتاری اشتباه یا حتی ساده‌لوحانه در پیش گرفته‌اند بلکه به قول خود ترامپ «ما راه طولانی در پیش داریم.»

آمادگی مقدماتی

به نظر می‌رسد ترامپ و تیمش همین حالا قبل از ترک کاخ سفید مقدمات اولیه را برای این راه طولانی فراهم می‌کنند. روزنامه نیویورک تایمز روز دوشنبه ۹ نوامبر خبر از برنامه ترامپ برای تشکیل کمیته اقدام سیاسی، PAC(political action committee)، داد که به گفته خبرنگار این روزنامه مگی هابرمن، این کمیته‌ای با حمایت مالی فدرال است و می‌تواند ترامپ را در رأس حزب جمهوری‌خواه حتی بعد از ترک کاخ سفید حفظ کند. با وجود اینکه حمایت مالی محدود و در حد ۵ هزار دلار در سال است اما باید در نظر داشت که محدودیتی برای تعداد حامیان وجود ندارد و دیگر کمیته‌های اقدام سیاسی هم می‌توانند از آن حمایت مالی کنند. در این صورت، ترامپ با تشکیل این کمیته در عمل یک منبع عظیم مالی برای چهار سال مبارزه انتخاباتی ایجاد کرده تا از آن هزینه سفرها، تجمعات، تظاهرات‌ها، نظرسنجی‌ها و مشاوره‌ها را تأمین کند جدای از اینکه با تکیه بر این کمیته قدرت خود را در حزب جمهوری‌خواه حفظ خواهد کرد تا رقیبی برای او در این حزب ایجاد نشود، بنابراین ادعای تقلب ترامپ حالا با این کمیته منبع مالی لازم را دارد تا در طول این چهار سال مدام تکرار شود و آرای او را حفظ کند. علاوه بر این، گفته می‌شود متحدان ترامپ به دنبال خرید یک شبکه تلویزیونی محافظه‌کار به نام نیوزمکس هستند که بعد از سوم نوامبر کاملاً در جبهه او بوده و از ادعاهای ترامپ حمایت کرده است. به نظر می‌رسد پس از اینکه روپرت مرداک بعد انتخابات از ترامپ روگردان شد و رسانه‌های او از جمله فاکس‌نیوز دیگر از او حمایت نکردند، تیم ترامپ به فکر بلندگوی شناسنامه‌دار دیگری افتاده است تا برای حمایت از او جای فاکس‌نیوز را بگیرد. نکته جالب قضیه اینجاست که نیوزمکس در شهرک پالم بیچ ایالت فلوریداست و عمارت مارالاگو استیت ترامپ هم در این شهرک است. به هر صورت، نیوزمکس نخستین گام برای سر و صدای تبلیغاتی ترامپ در راه طولانی‌اش برای بازگشت به کاخ سفید است و باید انتظار شبکه گسترده رسانه‌ای داشت که با حمایت هوادارانش به راه می‌اندازد و به نظر می‌رسد حزب جمهوری‌خواه چنان مقابل او مستأصل شده است که چاره‌ای جز همراهی با او ندارد. به این ترتیب، شکست ترامپ در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۲۰ می‌تواند تنها وقفه‌ای چهار ساله در جریانی ایجاد کند که به نام ترامپیسم خوانده می‌شود و به برکت دودستگی عمیق در جامعه امریکا، ترامپیسم آنقدر قدرت دارد که شخص ترامپ را به ریاست جمهوری‌اش در آینده امیدوار کند.

رویکرد

هزار توی چرخش‌های موعود بایدن در خاورمیانه

سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

آرای الکترال جو بایدن بعد از اعلام نتایج در ایالت جورجیا و احتمال پیروزی او در ایالت کارولینای شمالی فاصله قابل توجه با آرای الکترال دونالد ترامپ گرفته است. هر چند ایالت جورجیا بنا بر قوانین ایالتی باید دوباره شمارش آرا را از سر بگیرد اما تحلیلگران معتقدند بعید است این کار تغییری در نتیجه فعلی به وجود بیاورد و دست‌کم همین فاصله ۳۰۶ رأی الکترال بایدن در برابر ۲۳۲ رأی ترامپ حفظ خواهد شد. به این ترتیب، ریاست جمهوری بایدن در امریکا تثبیت شده به نظر می‌رسد و تلاش‌های ترامپ برای تغییر در نتایج هم به جایی نخواهد رسید. حالا مسئله این است که سیاست‌های دولت آینده بایدن در داخل و خارج از امریکا چه خواهد بود؟ شکی نیست سیاست دولت او با ترامپ در این منطقه یکسان نخواهد بود اما این تفاوت در هر زمینه‌ای اتفاق می‌افتد؟

شکست فشار حداکثری

اولین و مهم‌ترین موضوع در سیاست خاورمیانه‌ای دولت بایدن توافق هسته‌ای ایران به نام برنامه جامع اقدام مشترک مشهور به برجام است. ترامپ در ماه مه ۲۰۱۸ امریکا را از برجام خارج و بی‌معطلی فرمان بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران را هم صادر کرد. ترامپ و دولت او به این حد قناعت نکردند و طی این دو سال گذشته انواع و اقسام تحریم‌ها را تحت عنوان کارزار «فشار حداکثری» علیه ایران وضع کردند تا اینکه حتی به اقرار بسیاری از تحلیلگران امریکایی، این کارزار به نتیجه نرسید و باعث نشد تا تهران بعد از ۱۸ ماه فشار حداکثری تسلیم شرایط دولت ترامپ شود. دموکرات‌ها به طور کلی از ابتدای امر مخالف خروج امریکا بودند، زیرا از یکسو، کارزار فشار حداکثری را بیهوده می‌دانستند که درستی آن ثابت شد و از سوی دیگر، برجام را دستاورد خودشان در دولت باراک اوباما می‌دانستند و طبیعی است که با بازگشت به کاخ سفید بخواهند دوباره به برجام بپیوندند. این دستورالعملی است که ابتدای مبارزات انتخاباتی یک سال اخیر و از سوی کمیته ملی حزب دموکرات اعلام شده و بایدن همانند دیگر نامزدهای آن موقع حزب پایبندی خود را به آن اعلام کرده است اما پایبندی بایدن برای بازگرداندن امریکا به برجام به چه معناست؟ آیا بایدن با این کار تمام تحریم‌هایی را که ترامپ خلاف عهد و قول امریکا در برجام علیه ایران بازگردانده یا وضع کرده است، لغو خواهد کرد؟ در پاسخ به این مسئله لازم است به دو نکته توجه شود؛ نخست اینکه آیا او اراده واقعی برای لغو تحریم‌ها دارد و دوم اینکه در صورت داشتن چنین اراده‌ای توانایی انجام آن را نیز دارد.

بازگشت به برجام

در مورد نکته اول باید گفت هم بایدن و هم دستیارانش بارها بازگرداندن امریکا به برجام را مطرح کرده‌اند اما موضع آنها در مورد لغو تحریم‌ها چندان معلوم نیست. برای مثال، مشاور ارشد بایدن در سیاست خارجی تونی بلینکن در ۲۳ سپتامبر به تلویزیون سی بی‌اس امریکا گفت: «اگر جو بایدن در انتخابات پیروز شود و ایران به پایبندی کامل به توافق هسته‌ای بازگردد، ما هم همین کار را انجام خواهیم داد. سپس از آن به عنوان موقعیتی استفاده خواهیم کرد تا با متحدان و شرکایمان برای تقویت و طولانی کردن آن همکاری کنیم.» بنابراین اراده دولت بایدن صرفاً بر مبنای بازگشت به برجام نیست بلکه در وهله نخست این کار را مشروط به پایبندی ایران کرده است بدون در نظر گرفتن خساراتی که اقدام غیرقانونی ترامپ بر ایران وارد کرده و در وهله دوم، بازگرداندن امریکا به برجام مقدمه‌ای برای طولانی کردن برجام است. این به معنای تغییر در برجام است و شکی نیست که دولت بایدن برای رسیدن به این هدف دست‌کم برخی تحریم‌ها را به بهانه‌های مختلف حفظ خواهد کرد. موضوع دیگر این است که آیا دولت بایدن برای بازگشت به برجام کاری فراتر از دولت اوباما انجام خواهد داد و مجوز معامله با ایران با دلار امریکا را خواهد داد؟ این نکته‌ای است که کسی به صراحت به آن پاسخ نداده و بعید است دولت بایدن چنین کند.

مشکل تحریم‌ها

اگر دولت بایدن حسن نیتی هم برای توقف تحریم‌ها داشته باشد و بخواهد با صدور فرامین اجرایی این کار را کند باز مشکلاتی سر راه او وجود دارد. مهم‌ترین مشکل بایدن این است که تحریم‌های در زمان دولت ترامپ محدود به تحریم‌های معلق شده در برجام نبود و دولت او انواع و اقسام تحریم‌ها را تحت عناوین مختلف وضع کرد. برای مثال، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ترامپ در اکتبر ۲۰۱۷ و بنا بر فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ و مطابق با قانون مقابله با دشمنان امریکا از طریق تحریم (کاتسا)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد. این یک مشکل عمده در سیاست دولت بایدن است که با توجه به فضای خصمانه علیه ایران در سیاست امریکا قادر به انجام کاری در این زمینه نخواهد بود. اهمیت موضوع اینجاست که امریکا بر این مبنا برخی نهادهای مهم ایران را تحت تحریم قرار داده و برای مثال، وزارت دفاع ایران را به دلیل حمایت از گروه‌های تروریستی و بر مبنای فرمان ۱۳۲۲۴ تحت تحریم قرار داده است. در واقع، این دسته تحریم‌ها که کم و ناچیز هم نیستند با بازگشت امریکا به برجام و اجرای تعهداتش در این توافقنامه حذف نخواهند شد و بعید است جو بایدن اراده‌ای هم برای حذف آنها داشته باشد.

روابط با اعراب

بازگشت به برجام نمی‌تواند برای آن دسته از کشورهای عربی خبر خوبی باشد، چراکه برای ادامه «فشار حداکثری» ترامپ خواب و خیالاتی دیده بودند. علاوه بر این، برجام تنها مشکل این کشورها با دولت بایدن نیست بلکه مشکلات آنها بسیار بیشتر از این است. از میان شش کشور شورای همکاری خلیج فارس فقط عربستان سعودی است که هنوز واکنشی به پیروزی بایدن نشان نداده و همین نکته نشان می‌دهد دربار آل‌سعود و به خصوص شخص ولیعهد محمدبن‌سلمان بیشترین دردسر را با بایدن خواهد داشت. جنگ خونین در یمن و ارتکاب جنایات جنگی توسط سعودی‌ها، قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی و مسئله نقض حقوق بشر در داخل سه موضوع اساسی هستند که محمد بن سلمان در رأس هر سه موضوع قرار دارد. دموکرات‌ها بارها خواهان پایان یافتن جنگ یمن و قطع ارسال تسلیحات به آل سعود بوده‌اند و دو بار تلاش آنها به سد ترامپ خورد اما حالا انتظار می‌رود تا با یک رئیس‌جمهور خودی راحت‌تر کار خود را پیش ببرند. مسئله نقض حقوق بشر و به خصوص قتل جمال خاشقچی برای دموکرات‌ها مسئله‌ای اساسی است و باید گفت در دولت بایدن با جدیت تمام این دو موضوع را پیگیری خواهند کرد. علاوه بر این، نقش آل سعود در حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمایت مالی از تروریست‌های آن حمله موضوع دیگری است که پیش از ترامپ مطرح بود اما او مانع پیگیری‌های حقوقی می‌شد و حالا فضا برای اقدام حقوقی در این زمینه مهیا شده است. با وجود تمام این مسائل اما معلوم نیست بایدن با بن‌سلمان چه خواهد کرد و شاید ولیعهد سعودی به فکر معامله‌ای پرسود با دموکرات‌هاست تا آنها را از اقدامات آینده منصرف کند.

اعراب و اسرائیل

عادی‌سازی روابط بین امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل وضعیت ژئوپلتیک منطقه را به طور کلی تغییر داده است و این امر خواه ناخواه بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت بایدن تأثیر خواهد گذاشت. دولت بایدن حمایت خود را از این جریان اعلام کرده است و حتی بر گسترش آن نیز تأکید دارد. در واقع، روابط نزدیک و دوستانه ۴۰ ساله بین بایدن و نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو را نباید در این زمینه از یاد برد. این رابطه محوری است که دولت بایدن بر مبنای آن به حمایت خود از دولت نتانیاهو ادامه خواهد داد هر چند انتظار می‌رود تغییراتی نیز در سیاست امریکا نسبت به فلسطینی‌ها ایجاد کند. بایدن در تبلیغات انتخاباتی‌اش تأکید کرده است قصد بازگرداندن سفارت امریکا از بیت‌المقدس به تل‌آویو را ندارد. در واقع، او یکی از امضاءکنندگان لایحه ۱۹۹۵ در سنا برای جابه‌جایی سفارت امریکا بود و حالا هم به آن کاملاً پایبند خواهد ماند. با این وجود انتظار می‌رود او به دنبال تقویت تشکیلات خودگران فلسطینی باشد، به این ترتیب که دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را در واشنگتن و کنسولگری امریکا را در بیت‌المقدس شرقی بازگشایی کند. این جدای از سرگیری کمک‌های مالی به تشکیلات خودگران و آژانس کار و امداد آوارگان فلسطینی (آنروا) است. تلاش بایدن در این زمینه برای بازگرداندن دو طرف به پای میز مذاکره است و شکی نیست مجالی برای معامله‌قرن ترامپ یا الحاق بخش‌های کرانه باختری به رژیم اسرائیل در برنامه او جایی ندارند اما آیا او می‌تواند روند مذاکرات بین دو طرف را دوباره زنده کند که حتی در دولت اوباما هم منتفی شده بود؟ واقعیت این است که وضعیت منطقه با زمان دولت اوباما به طور کلی تغییر کرده و بعید است بایدن بتواند همان رویدادهایی را احیا کند که قریب به یک دهه از عمر آنها گذشته است.